

وزارت ارشاد باید ریشه‌ای اصلاح شود/موسوی و کروی بی باید بخاطر ادعای تقلب مجازات می‌شدند

به گزارش پایگاه خبری پارس‌یان، برنامه امروز شناسنامه در رابطه با شخصیتی است که از همان ابتدا نامش با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده است و اگر نگاهی به فعالیت‌های ایشان داشته باشیم متوجه خواهیم شد که ایشان به عنوان یک طلبه جوان دوره اختناق رضاخانی را نیز درک کرده‌اند و از همان جوانی نیز به صف مبارزان انقلابی در مبارزه با رژیم پهلوی پیوستند و پس از انقلاب نیز در مسئولیت‌های حساس حضور داشته و دارند. برنامه امروز شناسنامه مهمان آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان قانون اساسی است. متن زیر شرح گفتگوی محمد حسین رنجبران، سردبیر برنامه شناسنامه و ایشان است.

رمز پرنشاطی و شادابی شما در سن ۸۸ سالگی چیست؟ می‌گویند زیاد ورزش می‌کنید؟

جنتی: گفته‌اند و آن یکاد بخوانید و بفرار کنید. بله من بعضی مسائل را احتمال می‌دهم که مؤثر باشد اما عقیده ام این است که عمر و زندگی به دست خداوند است. غیر از این امر مسئله ایی را مؤثر نمی‌دانم.

گفته می‌شود ورزش می‌کنید، درست است؟

جنتی: من به طور مرتب ورزش می‌کنم. هفته ای دو روز در آب راه می‌روم و شنا می‌کنم.

از دوران تحصیل خود بگوئید.

جنتی: دوران علمی من شامل تحصیل و تدریس به ۳ دوره تقسیم می‌شود. یک دوره در اصفهان است که در آن جا پدرم مرا به مدرسه جده بردند و آن جا مشغول تحصیل شدم. مقدمات هم چون شرح نامه، معالم و... را که اکنون طلبه ها نمی‌خوانند من مطالعه کرده و گذراندم. این ها را در اصفهان خواندم و به اینجا که رسیدم گفتم بروم قم. عشق زیادی به قم داشتم و یکی از دوستانم نیز به قم رفته بود. پدرم

نیز با این که من فرزند منحصر به فردشان بودم با رفتنم به قم موافقت کردند.

این شد که از آن زمان به بعد در قم مشغول به تحصیل شدم. سطح را در قم خواندم. خارج را نیز ادامه دادم. سطح را در خدمت اساتیدی هم چون مرحوم صدوقی (شرح نامه را خدمت ایشان خواندم)، مکاسب را خدمت مرحوم سلطانی، درس رسائل و قوانین را هم خدمت مرحوم بهاء الدینی را گذراندم. من به این اساتید به خصوص مرحوم بهاء الدینی ارادت بسیار داشتم.

خاطره خاصی از این استاد دارید؟

جنتی: بله. البته ما ایشان را به اسم آسیدصفی می شناختیم و بعد فهمیدیم ایشان لقب بهاء الدینی دارند. بهاء الدینی بسیار وارسته و اهل عرفان بود. زمانی از منزل خود به مدرسه می آمد، به مکانی رسید که مورچه ها در حال حرکت بودند، اندکی به مورچه ها و خلقت آن ها فکر و شروع به گریه کرد. از زندگی و خلقت مورچه ها عبرت گرفته بود همان گونه که در قرآن ذکر شده است هر خلقتی نشانه و آیه خداوند است؛ بهاء الدینی نشانه خداوند را در مورچه ها دیده و گریه کرده بود. اساتیدی که نام بردم بسیار روان درس را عنوان می کردند.

هم مباحثه ایی های شما چه کسانی بودند؟

جنتی: آیت الله خزعلی از همه افراد بیشتر بودند. جمعی از دوستان مشهدی اعم از آیت الله خزعلی، آقای نصرالهی، آقای نهاوندی و آیت الله سعیدی بودند که ما با این ها رفیق بودیم و مباحثه ما عمدتاً با آیت الله خزعلی بود. وی از دوستان ۶۰-۵۰ ساله من هستند که هم چنان ادامه دارد، گاهی با مرحوم مفتاح، سید کرامت الله حسینی که نماینده خبرگان در کهگیلویه بودند نیز مباحثاتی انجام می دادیم.

درس خارج ما نیز عمدتاً با آیت الله بروجردی بود که ایشان از فقیه ترین فقهای بود که من می شناختم، از جهت فقهی بسیار به وی علاقه و عقیده داشتم، در کلاس های درس فقه، اصول و... آیت الله بروجردی شرکت می کردم؛ در مدت کوتاهی در کلاس های آیت الله گلپایگانی نیز شرکت داشتم و بعد هم عمدتاً در کلاس ها درس امام (ره) شرکت داشتم. که در کلاس های فقه و اصول ایشان می رفتم.

دوره تدریس من در ابتدا به صورت آزاد در مسجد امام (ره) یا در حجره ایی بود. با حضور تعدادی طلبه مباحثه می کردیم و درس می دادیم. تا زمانی که آیت الله بهشتی به این نتیجه رسیدند که وضعیت حوزه مطلوب نیست و بسیار آزاد است و طلبه ها هدایت نمی شوند؛ در نتیجه تصمیم گرفتند بخشی از حوزه را تنظیم کنند و نظم دهند.

آیت الله بهشتی برنامه مدرسه حقانی را تنظیم کردند و با برای بودجه آن با آیت الله میلانی صحبت کرده بودند که ایشان کمک کنند و این مدرسه را به راه انداختند و برنامه ای ۱۶، ۱۷ ساله را برنامه ریزی نمودند که از ابتدای صرف و نحو آغاز شد تا درس خارج و تحقیقات ادامه یافت.

اگر طلبه ایی می آمد ۱۶-۱۷ سال در آن مدرسه مشغول تحصیل بود؟

جنتی؛ بله؛ از ابتدا مسیر و دروس مشخص شده بود. امتحانهای بادقتی می گذاشتند. استاد نیز از سوی طلبه ها تعیین نمی شد بلکه استاد برایشان تعیین می شد و اساتید را بر اساس اصول اخلاقی و علمی انتخاب می کردند. مدرسه به آیت الله قدوسی که مدیریت بسیار قوی و نمونه ایی داشت، سپرده شد. من حرف های زیادی در رابطه با ایشان هم دارم. آیت الله قدوسی و آیت الله بهشتی از من برای تدریس دعوت کردند. من در مدرسه حقانی از دروس صرف و نحو آغاز کردم و تا درس رسائل، معالم، کفایه و... ادامه یافت.

در این مدرسه برکات و بازدهی بسیار خوبی داشت. طلاب تربیت شده از نظر علمی مورد اعتماد ما بودند. این طلاب از لحاظ علمی، اخلاقی، سیاسی و... قابل قبول بودند، آیت الله بهشتی هم مرتب خودشان سرکشی می کردند جلسات مشورتی هم به همراه آیت الله قدوسی و آیت الله بهشتی و برخی مواقع آیت الله مصباح داشتیم. و سعی می کردیم در مدیریت مدرسه به آقای قدوسی کمک کنیم.

از شاگردان آن مدرسه چه کسانی بودند؟

جنتی؛ بسیاری از کسانی که اکنون در دستگاه قضائی فعالیت می کنند از شاگردان این مدرسه هستند مثل آقای محسنی اژه ای، آقای رئیسی و آقای نیری و... از مدرسه حقانی هستند. از ابتدا نیز کارهای قضایی به دست شاگردان این مدرسه افتاد زیرا زمانی که انقلاب شد آقای قدوسی وقتی که انقلاب شد در مسائل قضائی احساس خلاء کردند زیرا دادگستری آن زمان را که قبول نداشتیم و باید برای دادگاه انقلابی ترتیب وضعیت می دادیم. بنابراین آقای قدوسی خودشان مدرسه را رها

کردند و آمدند و تشکیلات قضائی را تحت نظر آیت الله بهشتی راه اندازی کردند. طلاب مدرسه حقانی نیز جذب شدند.

روح شهید بهشتی شاد باشد. این مدرسه حقانی کارد قضایی برای نظام جمهوری اسلامی ایران را تربیت کرد، آیت الله طباطبائی نیز که دست پرورده آیت الله شهید بهشتی بود مدرسه شهیدین را تأسیس کرد که همانند مدرسه حقانی بود و هنوز هم بسیار خوب به فعالیت خود را ادامه می دهد. جامعه الزهرا نیز توسط آقای قدوسی ساخته شد که طلبه های خانم تربیت کردند؛ کار اساسی این است که انسان و عالم تربیت کنند. این کار را آقای بهشتی می کرد.

یکی از اساتید شما حضرت امام (ره) بودند؛ آیا فعالیت ضد رژیم پهلوی از بدو آشنایی با امام(ره) بود یا قبل از آن بود؟

جنتی: از بدو آشنایی با امام (ره) بود چرا قبل از آن کسی جرات سخن گفتن نداشت. خفقان به اندازه ایی بود که بزرگ تر از ما چه از علما و چه غیر علما جرات سخن گفتن نداشتند و می ترسیدند بنابراین هیچ گونه فعالیت ضد رژیمی وجود نداشت؛ از زمانی که امام (ره) نهضت را آغاز کردند همگی جرات یافتند و حول محور ایشان و با رهبری ایشان وارد صحنه شدند.

یکی از وظایف شما رساندن اخبار از امام (ره) به حوزه ها و مجامع دینی مختلف بود. این اخبار شامل چه مواردی می شد و چگونه این اخبار را به جاهای مختلف می رساندید؟

جنتی: حرکت امام (ره) برای بسیاری از علما ناشناخته بود.

ناشناخته بود یا مخالف بودند؟

جنتی: خیر. برخی نمی دانستند امام (ره) قصد انجام چه کاری را دارد؛ برخی هم نظر موافق نداشتند که این نظرات از مصلحت اندیشی بود و اذعان داشتند این حرکات بی فایده است وقتی ساواک و نیروهای نظامی تا این اندازه پر قدرت هستند نمی شود با آن ها درافتاد بنابراین این افراد امکان مبارزه را قبول نداشتند. برخی به وضع موجود عادت کرده بودند.

یک مسئله هم که برخی دیگر را تخدیر کرده بود این موضوع بود که این افراد بر این اعتقاد داشتند که دین از سیاست جدا است؛ این مسئله در بین برخی جا افتاده بود؛ این عده اذعان داشتند وظیفه ی

ما مسائل دینی است، طلبه و اهل علم و مرجع تقلید باید بروند و در رساله نویسی، منبر، تبلیغ و... فعالیت داشته باشند و مدیریت کشور و حکومت به دست افراد دیگر باشد و این امور از یکدیگر جدا است. بسیاری به این دلیل نواب صفوی، فدائیان اسلام، آیت الله کاشانی و... را محکوم می کردند. این عده عقیده داشتند عالم نباید وارد وادی سیاست شود. به همین دلیل نیز گاهی اوقات این ها نظر خوبی نسبت به امام (ره) نداشتند.

این ما بودیم که به شهرستان ها می رفتیم و برای علما قصد و نیت امام (ره) را تبیین و روشن می ساختیم. تعداد ما اندک نبود. در ابتدا بسیاری با امام (ره) آشنایی نداشتند و باید معرفی می شدند مثلاً این که ایشان از نظر فلسفی و عرفانی و علمی و اخلاقی چنین شخصیتی هستند. در ادامه حرکت انقلابی را توجیه می کردیم و در این روند فساد دستگاه حاکم، ضرورت برخورد با این دستگاه و... توضیح داده می شد.

برخورد آن ها با شما چگونه بود؟

جنتی: برخوردها بد نبود؛ با علمای اصفهان، خوزستان، خرمشهر و... حضوری صحبت و توجیه کردم. این جلسات بسیار موثر و مفید بود. اعلامیه های امام (ره) را منتشر می کردیم. نظرات انقلابی امام (ره) را بیان می کردیم و می گفتیم که ایشان می خواهند طبق محور اسلام عمل کرده و حکومت اسلامی ایجاد کنند. بنابراین علما را سعی می کردیم توجیه کنیم.

این جریان چه مدت به طول انجامید؟ و چه تعداد را همراه کردید.

جنتی: بسیاری به تدریج همراه شدند. برخی در نهایت سکوت کردند و تنها کاری که انجام دادند این بود که مخالفت نکنند؛ برخی نیز همراه با جریان انقلاب شدند و در این جریان حرکت کردند؛ آیت الله خادمی از افرادی بود که به وادی انقلاب وارد شد و حرکت های انقلابی را در اصفهان هدایت می کرد.

۳ بار دستگیری توسط ساواک و ۳ سال تبعید به اسد آباد همدان هزینه هایی بود که برای حرکت های انقلابی پرداخت کردید. بخشی از این اتفاقیها را توضیح می دهید؟

جنتی: ۲-۳ نوبت در قم دستگیر شدم. در ابتدای دستگیری ناراحت و متاثر شدم. در یک نوبت در صحن حضرت معصومه (س) جوانی دست من را

گرفت و از سوی ساواک مامور دستگیری من است؛ این که جوانی به آن سن و سال که ۲۴، ۲۵ ساله بود برای دستگیری من آمد برای من بسیار تلخ بود.

در ساواک بازجویی صورت گرفت و برای بردن من به تهران ماشین حاضر شد. من را به تهران آوردند. همراه ما کامیونی حاوی کتاب نیز وجود داشت که بعدها فهمیدم این کامیون حاوی کتاب های شهید اندرزگو است. شهید اندرزگو نیز از شاگردان طلبه مدرسه حقانی بود، با من هم رفیق بود اما من نمی دانستم که ایشان این قدر شجاع و باعرضه است. او را نیز گرفته بودند و به داخل خانه اش رفته بودند و کتابهایش را هم بار کرده بودند و آورده بودند. من را به قزل قلعه منتقل کردند و بسیاری از دوستان من در آن جا حضور داشتند و بودن دوستان باعث خوشحالی من شد.

چه کسانی در قزل قلعه بودند؟

جنتی؛ آقای آذری قمی، ربانی شیرازی، ربانی املشی، شهید محمد منتظری بودند. در سلول از دوستان جدا بودم ولیکن در هواخوری آن ها را می دیدم و ورزش های گروهی انجام می دادیم؛ آقای مروارید هم بودند که بومی زندان شده بود. به اندازه ایی دستگیری او عادی شده بود که وقتی به زندان وارد می شد می گفت شام چیست؟ آن جا دو سه نوبت گذشت.

برای تبلیغ مدتی به خوزستان می رفتم. آقای قائمی پیشنهاد رفتن به خارک را به من دادند هر چند من آشنایی چندانی به این جزیره نداشتم، به جزیره خارک رفتم و به زحمت آقای قائمی که با مأمورین آشنا بودند آن ها را راضی کردند که من به خارک بروم. بعد از چند دوره سفر چند روزه به خارک، به مدت دو سال در آن جزیره ماندم. در این جزیره می توانستم به خوبی فعالیت کنم، مردم علاقه مند بودند و من در مسجد ده و مسجد شرکت نفت منبر می رفتم.

در ایام آخر حضور من در جزیره خارک فردی به نام دکتر صدارت که رئیس ساواک بود (بعد هم گرفتند و اعدامش کردند) من را خواست و گفت باید از جزیره بروید. با خیال این که باید از اینجا برویم و هر جا خواستیم هم می رویم سوار هواپیما که شدم دیدم ماموری کنار من نشسته است، این مامور من را به آبادان برد و در آن جا دریافتم مقدمات تبعید من را فراهم می کنند. در نهایت من را به اسد آباد فرستادند که همراه با ماموران ژاندارمری و مسلح این اقدام انجام

شد. اول می خواستند دستبند بزنند اما بعدش نمی دانم چه طور شد، شاید دلشان سوخت و منصرف شدند. از آن جا با اتوبوس ما را به اسدآباد بردند.

شب هنگام به اسدآباد رسیدیم و من را تحویل پاسگاه دادند. به دلیل نداشتن مکان، من را به خانه یکی از مامورین پاسگاه بردند. در منزل این مامور خودش گفت که من هم مقلد امام خمینی(ره) هستم. امام جمعه این شهر، آیت الله حمزه ای، از من بسیار استقبال کرد. ۲-۳ سال در این شهر زندگی کردم؛ نمی توانم بگویم در این شهر به من بد گذشت چه بسا زمان هایی خوش نیز می گذشت؛ از شهرهای مختلف برای دیدار می آمدند و از شهرهای مختلف هم به دیدار من می آمدند از جمله از اصفهان. من تنها تبعیدی این شهر نبودم.

فعالیت های سیاسی باعث نگرانی خانواده و والدین نمی شد؟ چون تنها فرزندشان هم بودید.

جنتی: والدین نگران می شدند چرا که من تنها فرزند خانواده بودم و علاقه پدر به من بسیار بود. برای خود ناراحت نبودم و همواره ناراحتی من برای خانواده ام بود. در دستگیری ها و تبعیدها به من سخت نمی گذشت و تنها ناراحتی من به خاطر خانواده م بود؛ بعد از گذشت مدت زمانی خانواده نیز به این مسائل عادت کردند.

شما را از فعالیت های سیاسی نهی نمی کردند؟

جنتی: خیر.

نخستین مسئولیت شما بعد از انقلاب، ریاست دادگاه حاکم شرع انقلاب اسلامی خوزستان بود. چرا تا این اندازه به خوزستان رفت و آمد می کردید؟ اشاره هم کردید که برای تشریح نظرات امام نیز به خوزستان می رفتید.

جنتی: بعد از پیروزی انقلاب و مبادرت به تشکیل دادگاه انقلاب، من در تهران کار می کردم، در همین قزل قلعه که داستان مفصلی هم دارد. بنا شد ما برویم قاضی شویم و ما هم صفر کیلومتر بودیم. قضاوت نخوانده بودیم ولی با انقلاب و مسائل اسلامی آشنا بودیم. بالاخره به ما گفتند که چاره ای نیست شما بروید اینجا و همین جا دادگاه تشکیل شد و این مجرمین را می آوردند آن جا محاکمه می کردند. مدتی در همین تهران بودم تا این که شهید مطهری به من فرمودند که شما بروید خوزستان. چون زندان ها پر است و قاضی

نداریم. با اصرار ایشان من به خوزستان رفتم اما برای این سفر آماده نبودم من اینجا راحت تر بودم.

دادگاه انقلاب اسلامی در خوزستان شکل گرفت و مشغول به کار شدیم؛ به دلیل نداشتن و کمبود قاضی به تهران و خوزستان اکتفا نکرده و به خرمشهر، اصفهان و شهرهای دیگر نیز برای قضاوت رفتم؛ بسیاری از افراد نیز نمی دانستند باید چه کنند. امثال من دوره ای ندیده بودیم.

با این اوضاع در آن زمان احتمال اشتباه در قضاوت ها وجود نداشت؟ یا اصول کلی را می دانستید؟

جنتی: اصول کلی را می دانستیم و این امر مسلم بود که افراد رژیم باید محاکمه شوند؛ این محاکمه تابع مقدار جرم آن ها بود؛ افراد رژیم سابق به صورت برخی زندان، برخی شلاق و برخی اعدام محاکمه می شدند. در برخی مسائل نیز با امام (ره) در ارتباط بودیم. برخی جاها می ماندیم مثلا من از حضرت امام سؤال کردم که ما چه کسانی را می توانیم اعدام کنیم، ایشان مطلبی فرمودند و گفتند این گونه کار کنید. خیلی وقتها زیر نظر ایشان عمل می کردیم.

نخستین امامت جمعه خود را در کرمانشاه تجربه کردید؟

جنتی: خیر؛ امامت جمعه من از خوزستان شروع شد. فضای خوزستان بسیار گرم و پر التهاب بود. مردم از انقلاب بسیار خوشحال و راضی بودند البته ضد انقلاب نیز در دانشگاه ها سنگر گرفته بودند. در ارتش نیز بسیاری کارشکنی می کردند.

در این زمان به من گفتند که در دانشگاه نماز جمعه بخوانم، من هم تا آن زمان امامت نماز جمعه نکرده بودم و دفعه اولم بود. رفتیم دانشگاه و نماز جمعه را اقامه کردیم و مردم هم شور بسیار زیادی داشتند و نماز جمعه با شکوهی برگزار شد. اولین تجربه امامت جمعه من در دانشگاه خوزستان بود.

همان جا به ما گفتند که همین بچه هایی که در دانشگاه سنگر گرفتند قصد دارند که به شما حمله کنند. اقدامی که من انجام دادم ابتکاری بود که خداوند به من الهام کرد و آن هم این بود که مردم را برای حضور در دانشگاه فراخواندم و گفتم که از رایو اعلام کنید که مردم دانشگاه بیایید. مردم حاضر شدند و کسانی که در دانشگاه برای حمله به صفوف نماز جمعه سنگرگیری کرده بودند را دستگیر کردند و به

زندان انداختند و موضوع تمام شد که اگر که این کار را انجام داده بودند معلوم نبود چه اتفاقی می افتاد.

نماز جمعه من در خوزستان از همین جا شروع شد اما مسئله کرمانشاه این بود که آیت الله اشرفی که شهید شدند، پست امام جمعه در کرمانشاه خالی ماند. به من گفتند به کرمانشاه برو و نماز جمعه را اقامه کن. در کرمانشاه نماز جمعه برگزار شد؛ در کرمانشاه نیز در دادگاه انقلاب شرکت می کردم. یک مقدار وضع ناامنی نیز وجود داشت حتی بسیاری به من می گفتند صبح ها به نماز بروم زیرا من به غیر از نماز جمعه به نماز جماعت هم می رفتم اما به من می گفتند که این کار خطرناک است. اگر برای نماز صبح می رفتم به بازگشت خود مطمئن نبودم چرا که وضعیت خطرناک بود. اما خدا حفظ کرد. نماز جمعه من از خوزستان آغاز شد و در ادامه در شهرهای کرمانشاه، قم و تهران برگزار شد.

اولین بار که در تهران نماز جمعه را اقامه کردید چه سالی بود؟

جنتی: تاریخ دقیق را به یاد ندارم؛ من در قم بودم و نظر مقام معظم رهبری بر این بود که من به تهران بیایم به نظر خطبه‌های قم برایشان جالب بود و دستور آمدن به تهران را دادند و من به دستور مقام معظم رهبری به تهران آمدم.

زمانی که خطبه می خوانید از قبل تا چه اندازه زمان می گذارید تا مطالعه انجام دهید و برای خطبه آماده شوید؟ و چه مشاوره‌هایی دریافت می کنید.

جنتی: معمولاً در هفته ایی که قرار است نماز جمعه را اقامه کنم از آغاز هفته دغدغه نماز جمعه را دارم؛ در ابتدای هفته در هر زمانی که مطالبی به ذهن من خطور می کند که لازم است در نماز جمعه گفته شود، را یادداشت می کنم؛ در کنار فعالیت هایم مطالب مورد نیاز برای نماز جمعه را مطالعه می کنم.

در بخش های سیاسی من مشورت نیز دارم و بدون مشورت کار نمی کنم چرا که از بسیاری از مطالب اطلاع ندارم و باید افرادی به من این مطالب را اطلاع دهند زیرا من مشغول کارهای خودم هستم و کارهای شورای نگهبان را انجام می دهم. روزنامه را می خوانم اما خواندن روزنامه ها کفایت نمی کند؛ دوستانی برای مشورت در این زمینه دارم؛ این دوستان شرحی از وضع موجود ارائه می دهند و مسائلی که باید گفته شود را بیان می کنند و من هم با آن ها مشورت می کنم.

تاکنون شده است اطلاعاتی که به شما دادند نادرست باشد؟ که مثلا بعد اصلاح کنید؟

جنتی: بله؛ این وضعیت را چندین بار تجربه کردم که بعضی وقتها مطلبی را گفته ام که اشتباه بوده اما در روایت گفته شده است اگر اشتباهی در جمع انجام دادید توبه را نیز در جمع انجام دهید؛ بر اساس دستور اسلام من نیز در نماز جمعه بعدی عذرخواهی می کردم.

چند سال پیش خبری مبنی بر کنارگیری شما از امامت جمعه منتشر شد که بعد تکذیب شد. ماجرا چه بود؟

جنتی: کناره گیری به آن معنا نبود من چند کار داشتم و حجم کاری زیاد بود. کار اصلی من شورای نگهبان است. فعالیت های دیگر برای من فرعی بود. از مقام معظم رهبری خواستم برخی از فعالیت ها از دوش من برداشته شود که یکی از این فعالیت ها نماز جمعه، یکی شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیگری مجمع تشخیص مصلحت بود.

به قولی مردی و کاری. لذا تصمیم داشتم بر یک فعالیت تمرکز داشته باشم و به یک فعالیت مشغول باشم؛ مقام معظم رهبری در خصوص فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی مخالفتی نداشتند و گفتند نمیخواهید نروید ولیکن در خصوص نماز جمعه گفتند که باید نماز جمعه را داشته باشی و در رابطه با تشخیص مصلحت نظام مخالفت کردند و گفتند باید بروی به عنوان شخصیت حقیقی علاوه بر شخصیت حقوقی. من گفتم برخی وقت ها نماز جمعه برای من سنگین است فرمودند فاصله هایش را زیاد کن.

برای کاهش فشار ناشی از نماز جمعه فاصله زمانی را افزایش دادیم؛ قرار بر این شد که دو ماه یک بار برای اقامه نماز جمعه بروم.

به قول شما گاهی برخی به دلیل گرفتاری های روزمره شان از وضع مردم غافل می شوند. به غیر از روش های مرسوم که مسئولان برای ارتباط با مردم دارند آیت الله جنتی چه روش های دیگری برای آگاهی از وضع مردم در جامعه دارند؟

جنتی: یکی از روش ها حضور من در نماز جمعه است که من به عنوان مأموم می روم اگر کسی حرفی داشته باشد می تواند در نماز جمعه با من در میان بگذارد یا وقت ملاقات بگیرد؛ قسمت عمده ارتباط من با مردم در سفرهای مشهد است. در مشهد به صورت عادی و زوار حضور دارم. از محل سکونت تا حرم پیاده می روم، در صحن ها و حاشیه حرم

پیاده هستیم تا ارتباط با مردم برقرار باشد؛ بسیاری از مردم در این زمان ها با من در ارتباط هستند و از مشکلات خود صحبت می کنند. برخی اوقات می گویند ما حرفی گفته ایم و یا شنیده ایم.

تذکرات شما به مسئولین از طریق تریبون نماز جمعه است یا خصوصی نیز این تذکرات داده می شود؟

جنتی: گاهی به کسانی که احتمال اثر در خصوص آن ها وجود دارد، خصوصی تذکر می دهم. به طور مثال وزیر علوم، آقای فرجی دانا را احضار کردم و به ایشان گفتم این افرادی را که شما به ریاست دانشگاه می گذارید برخی منحرف و اهل فتنه هستند و سابقه فتنه دارند و گفتم چرا این افراد را می گذارید حتی نام دو مورد هم بردم که سندهایشان هم موجود است که در فتنه نقش داشتند.

اما اگر بدانم تذکرات خصوصی اثر گذار نیست خصوصی نمی گویم اما خیلی وقتها با مسائل مربوط به مصلحت کشور سر و کار داریم که تذکر می دهیم و یا در رابطه با دستگاه قضایی کشور بیشتر زیرا بسیاری از مردم از سیستم دستگاه قضایی شکایت دارند که مثلا پروندهای دارند ولی رسیدگی نشده است من بسیاری از شکایات و نامه های مردم را به آیت الله لاریجانی برای آقای اژه ای و مسئولین مربوطه و دوستان در دستگاه قضایی می رسانم.

مسئولین به تذکرات امام جمعه عمل می کنند؟

جنتی: نمی توان گفت به طور کامل عمل می شود البته بی اثر هم نیست؛ تریبون نماز جمعه جایگاهی است که بر آن حساب می کنند؛ برخی مسئولین برای آبرو و حیثیت خود و زیر سوال نرفتن نزد مردم رعایت می کنند و به تذکرات عمل می کنند.

تذکرات در نماز جمعه بی اثر نیست ولیکن اثر کلی نیز ندارد چرا که اظهار می کنند امام جمعه از مسئله مطرح شده به درستی اطلاع نداشته است.

مدتی پیش از جایگاه نماز جمعه تذکری را به فرزند خود آقای علی جنتی دادید. این تذکر تا چه اندازه مورد قبول وی قرار گرفت؟ آیا به طور خصوصی به وی تذکر دادید؟

جنتی: بله؛ چندین بار به طور خصوصی در خانه به وی تذکر دادم؛ به صورت کلی بگویم وزارت ارشاد باید ریشه ایی اصلاح شود؛ فضای وزارت

ارشاد باید تغییر کند. در برخی دیگر از وزارت خانه نیز این چنین است؛ با اصلاح موردی مشکل حل نخواهد شد.

تذکری که به فرزند خود در نماز جمعه دادید پدرانہ بود یا از جایگاه امام جمعه بود؟

جنتی: من لازم دیدم به عنوان امام جمعه تذکری بدهم. برای تاثیر بیشتر تصمیم گرفتم خصوصی مطرح شود. نظر من این بود که تذکرات خصوصی بیشتر اثر می گذارد.

رابطه این پدر و فرزند برای مخاطبان جالب است. آیا با ایشان خود بحث زیاد می کنید؟

جنتی: خیر؛ اختلاف سلیقه بین ما وجود دارد همان طور که او نیز در مصاحبه ای این مسئله را عنوان کرد؛ اختلاف سلیقه ما کم نیست؛ مثلا از نظر اسلامی من تشخیصی دارم ایشان آن را قبول ندارد. گاهی اوقات نیز در خصوص مسائل مباحثه می کنیم و قانع هم نمی شود.

خانواده در این بحث ها دخالت می کنند؟

جنتی: برخی مواقع اعتراض ها و نظراتی از سوی خانواده نیز صورت می گیرد.

همسر شما اصولا از شما یا از فرزند خود طرفداری می کند؟

جنتی: از من حمایت می کنند.

از جمله ۶ فقهی بودید که از اول اسفند ۵۸ از امام (ره) برای شورای نگهبان حکم دریافت کردید. این اتفاق به چه صورت رخ داد؟

جنتی: من در این وادی ها نبودم و هیچ گاه باور نمی کردم یک روز به عنوان شورای نگهبان انتخاب شوم. همواره گمان می کردم شورای نگهبان به نیروهای بالاتر، با سابقه تر، با تجربه تر و جامع تر از من نیاز دارد. این مسئولیت هیچ گاه به ذهن من نمی آمد.

زمانی که در دادگاه انقلاب اهواز بودم به من اطلاع دادند که امام (ره) شما را برای شورای نگهبان انتخاب کردند. من با شنیدن این خبر بهت زده شدم. افرادی که در خصوص فقها با امام (ره) صحبت کردند من را می شناختند و بدون اطلاع من برای امام (ره) تعریف کردند؛ خود امام هم که من را می شناختند. بدون این که نظر من را

بخواهند ولایتا (ولایت فقیه کار خود را کرد) من را انتخاب کردند. در این جریان من به طور کلی بی اطلاع بودم.

چطور شد حکم اول اسفند ۵۸ صادر شد ولیکن ۲۶ تیر ماه ۵۹ فعالیت آغاز شد؟

جنتی: امکان آغاز فعالیت زودتر از این زمان وجود نداشت؛ ما از صفر کیلومتر شروع کردیم. شورای نگهبان نهادی بی سابقه در حکومت گذشته بود. وزارت ها و ادارات دیگر در حکومت گذشته سابقه داشتند و همه جا برقرار و سرپا بود ولیکن شورای نگهبان سابقه نداشت. در این زمان شورای نگهبان باید ایجاد و تولید می شد.

برای شروع کار ما حتی ساختمانی و هیچی و هیچی مختص این کار نداشتیم؛ برخی مواقع در طبقه اول مجلس در اتاقی که می گفتند اتاق شاه بوده در آن جا جلسات را برگزار می کردیم؛ باید مکانی برای این سازمان تهیه می شد؛ این ساختمان توسط آیت الله ربانی شیرازی به دلیل رابطه دوستانه ایی که با بنی صدر داشت، برای ما فراهم شد.

بعد از تهیه مکان باید آئین نامه، امکانات، نیروی انسانی و... تامین می شد. این گونه نبود که با صدور حکم جلسه تشکیل شود.

راز ماندگاری ۳۵ ساله شما در شورای نگهبان چیست؟

جنتی: گمان می کنم امام (ره) و مقام معظم رهبری از عملکرد من ناراضی نبودند؛ رفتار من به گونه ایی نبود که موجبات ناراضی رهبری را فراهم کند و شاید به این خاطر بوده که ضعفی و تخلفی نداشتم. من در زمان امام (ره) و زمان مقام معظم رهبری به تامین نظرات رهبری مقید بودم. در زمینه هایی که از نظرات رهبری بی اطلاع بودم جویای نظرات می شدم و همان در زمان امام (ره) و هم اکنون نظرات مقام معظم رهبری را در مسائل جویا می شوم به عبارت دیگر تابع امام (ره) و رهبری بودم.

عمدتا در انتخابات مواردی بود که نمی دانستیم چه اقدامی انجام دهیم و کار برای ما ابهام داشت، از رهبری نظرات را جویا می شدم؛ این مسئله در خصوص موضع گیری ها نیز مطرح است. در خصوص موضع گیری ها با امام (ره) و رهبری هماهنگ بودم.

از چه سالی دبیر شورای نگهبان شدید؟

جنتی: در مهر ماه سال ۱۳۷۱ به عنوان دبیر، اولین امضا را زدم. دبیری شورای نگهبان طبیعی است که از خود اعضا پیشنهاد داده می شود. هر مدتی یک نفر دبیر بودند یک مدت آقای صافی بودند مدتی آقای گیلانی بودند و مدتی آقای محمدی گلپایگانی و مدتی نیز آقای مهدوی کنی که خدا شفایشان دهد در دوره های مختلف مسئولیت دبیری شورای نگهبان را بر عهده داشتند.

در مدت زمانی که مسئولیت دبیری شورای نگهبان را بر عهده دارید تا چه اندازه از عملکرد شورای نگهبان راضی هستید؟

جنتی: معمولا نارضایتی چندانی نداشتم. برخی مواقع خودمان اشتباهاتی کردیم و بعد از پی بردن به اشتباه اعلام کردیم. در مجلس ششم افرادی را که صلاحیت نداشتند تائید کردیم؛ از ما ایراد می گرفتند که سختگیری می کنید و باید شرح صدر داشته باشید و اجازه دهید افراد دیگر وارد عرصه شوند. تکرار این ایرادات سبب شد باور کنیم باید قدری توسعه دهیم.

اینها از سوی چه کسانی عنوان می شد؟

جنتی: خیلی از افراد طرفدار همینها که تأیید شدند و کسانی که در جریان دیگری فکر می کردند و فکر آن ها همانند ما نبود و معتقد بودند باید در خصوص مسائل انقلابی با شرح صدر برخورد شود و در نهایت انقلابی فکر نشود. مثلا در بررسی صلاحیتها می گفتند چرا عدهای را رد می کنید چرا دوستان آن ها را رد کرده اید.

به همین دلیل کمی سر آن انتخابات بازتر گرفتید؟

جنتی: بله، ما گفتیم تجربه کنیم بسیاری را تائید کردیم و بعدها به اشتباه خود پی بردیم و بارها از اشتباه خود استغفار کردم و این مسئله را در تریبونها اعلام کردیم.

اداره جلسات شورا به چه نحوی است؟ برخی ها طوری جلسات شورا را تصویر می کنند و می گویند بدون هیچ مخالفتی باید مثلا یک چیزهایی تصویر شود و یا مثلا اعضا فرصت ابراز نظر مخالف ندارند. آیا این گونه است؟

جنتی: این که برخی اذعان دارند مخالفین حق ابراز نظر ندارند، ظلم، سوء ظن و شایعه سازی بی جا است که نسبت به شورا صورت می گیرد؛ این امر توهین و جسارت به اعضاء شورا است؛ این گونه نیست.

هر یک از اعضاء برای خود رای دارد و در زمان رای گیری ها بحث و بررسی صورت می گیرد چه در رابطه با مجلس و مصوبات و قانونی که در آن جا تصویب می شود چه در مسائل انتخابات. جلسه جلسه بحث است کار شورا از ابتدا به این گونه بوده است و هیچ گاه این گونه نبود که تنها یک نفر حق نظردهی داشته باشد.

اختلاف سلیقه در شورا نقطه ضعف محسوب می شود؟

جنتی: اختلاف نظر طبیعی است و باید باشد؛ اگر اختلاف نظر نباشد به معنای این است که افراد اهل تشخیص نیستند و نظر خاصی ندارند.

این اختلاف نظرها همدلی ها را تحت تاثیر قرار نمی دهد؟

جنتی: از ابتدا ورود ما به شورای نگهبان تا کنون تلاش داشتیم هماهنگی برقرار شود و تا حد زیادی در این زمینه موفق بودیم؛ من مکرر گفتم شورای نگهبان جایگاهی دارد که اختلاف در آن جایی ندارد؛ ۶ فقیه که منصوب امام (ره) و رهبری هستند و ۶ نفر حقوقدانی که منتخب مجلس هستند و با پیشنهاد قوه قضائیه هستند. باید در جایگاه بالا و برجسته ای باشند.

شورای نگهبان همانند اداره ایی که در کارمندان با یکدیگر اختلاف دارند و اسباب زحمت را فراهم می کنند، نیست؛ تا جایی که امکان دارد نباید اجازه دهیم بین اعضاء اختلاف به آن معنا به وجود آید و البته اختلاف نظر هست اما نباید در شورا دو دستگی ایجاد شود. و به حمدالله این حالت را هم در طول این سالها حفظ کردیم و می گویم که اختلاف نظر بوده و حتی داد و قال کرده ایم اما هماهنگی و رفاقتمان پابرجا بوده است.

مهم ترین بحث ها در سال های اخیر در شورای نگهبان بر چه مباحثی بوده است؟

جنتی: بحث های داغ اصولا حول محور انتخابات است؛ در بحث های مجلس و مصوبات آن اصولا از نظر علمی بحث می شود و فقها بر سر مسئله ای اختلاف نظر پیدا می کنند که مثلا این مصوبه از نظر شرعی خلاف شرع است و یا نیست. جهت شرعی بودن مصوبات اختلاف نظر پیش می آید؛ برخی مواقع بحث ها حاد می شود و بحث ها داغ می شود و داد و قال می شود و محیط جلسه همانند جلسات مدرسه های فیضیه و طلبگی می شود. طوری که من می گویم اینجا مدرسه فیضیه نیست.

نحوه بررسی اسناد و مدارک برای احراز صلاحیت انتخابات به چه صورت است؟

جنتی: روال این گونه است که ما باید صلاحیت را احراز کنیم یعنی ما باید این را احراز کنیم که این فرد شرایطی را که در قانون مجلس آمده است را دارد و تائید صلاحیت به این معنا است که شورای نگهبان شهادت می دهد شرایط لازم را دارد؛ این کار سخت و سنگینی است.

صلاحیت و عدم صلاحیت برخی به راحتی قابل تشخیص است؛ چون نسبت به این افراد شناخت وجود دارد. این ها بحث ندارد. برای کسانی که شناختی که به راحتی همه بشناسند وجود ندارد از منابعی که در دسترس ما گذاشته اند نظر خواهی می کنیم؛ از منابع مورد نظر که برایمان گذاشتند در خصوص سوابق این افراد استعلام می کنیم که مثلاً فلانی با این مشخصات در وزارت کشور ثبت نام کرده اند شما چه سوابقی از این ها دارید. بعد این ها جواب می دهند و هر کدام اطلاعاتی می دهند. با جمع آوری اطلاعات جمع بندی صورت می گیرد؛ علاوه بر این به کمک نیروهایی که در شهرستان ها داریم اطلاعات خود را تکمیل می کنیم.

منابع اطلاعاتی نیروهای ما در شهرستان ها از اطلاعات وزارت اطلاعات کم تر نیست؛ بانک اطلاعات داریم و منابع اطلاعاتی داریم. این افراد برای این کار آموزش دیدند تا اطلاعات غیر مستند ارائه ندهند و شایعات را مطرح نکنند. گزارشات این نیروها برای ما مفید است چرا که محلی هستند و این ها به سوابق انقلابی، دینی و... افراد آگاهی دارند.

این که می گویند برای انتخاب ریاست جمهوری مثلاً برای آقای فلانی که شناخته شده هم است رأی می گیریم آن یک طور دیگری است؟ در خود شورا رأی گیری می شود؟

جنتی: آن ساده تر است؛ رأی گیری که همین است فرقی نمی کند. اما در مجلس بار خیلی سنگین تر است چون سراسری است و کشور است و برای انتخابات به دلیل حضور افراد بیشتر، ناشناخته بودن بسیاری از افراد و... کار سخت تر است؛ در ریاست جمهوری چون تعداد افراد محدودتر است و غالباً هم افراد شناخته شده تر هستند و شرایط هم در قانون اساسی آمده است به سرعت روند کار کمک می کند.

شرایط انتخاب فرد برای ریاست جمهوری در قانون اساسی ذکر شده است برخلاف شرایط نماینده که در قانون اساسی عنوان نشده است که یک

نقصی در قانون اساسی است؛ شرایط نماینده را در قانون مجلس تصویب شده است و در قانون اساسی وجود ندارد

با توجه به سازوکار مجلس شورای نگهبان، سال دیگر دو انتخاب حساس داریم. یکی مجلس و یکی خبرگان رهبری. برای خبرگان رهبری چه تدابیری اندیشیده شده است؟ چون برخی از این انتخابات ابراز نگرانی می کنند این نگرانی برای چیست؟

جنتی: تدابیر شورای نگهبان برای انتخابات مجلس و خبرگان یکنواخت است؛ وظیفه ما مشابه است. ما باید احراز صلاحیت کنیم و این وظیفه در خصوص تمام انتخابات بر عهده شورای نگهبان است.

شرایط در خصوص احراز صلاحیت برای انتخابات مجلس خبرگان متفاوت است چرا که شرط اجتهاد وجود دارد که احراز آن کار ساده ای نیست؛ در مجلس این شرط نیست. علاوه بر این احراز شرایط خبرگان مخصوص فقها است؛ طبق مصوبه مجلس خبرگان شرایط خبرگان را باید فقهای شورای نگهبان احراز کنند.

در هر صورت کار شورای نگهبان در درجه اول احراز صلاحیت است وظیفه دیگر شورای نگهبان نظارت بر برگزاری انتخابات و رای گیری است و این مسئله در خصوص تمام دوره های و مراحل انتخابات یکسان است.

ناظرین شورای نگهبان باید بر صندوق ها نظارت داشته باشند تا کار اشتباه و خلافی صورت نگیرد؛ با اتمام رای گیری اعتراضاتی صورت می گیرد؛ رسیدگی به شکایات بعد از اتمام رای گیری نیز بر عهده شورای نگهبان می باشد؛ این مراحل جزء وظایف یکسان شورای نگهبان در هر انتخاباتی است.

الان راجع به خبرگان افرادی با ابزار سوء سیاسی قصد قبضه کردن خبرگان را دارند؛ من از این افراد حسن نیتی سراغ ندارم؛ البته تعداد این افراد زیاد نیست ولیکن بیکار ننشستند؛ این امر به شورای نگهبان مربوط نمی شود و بیشتر از فضای سیاسی و اجتماعی است.

این که اذعان می شود نمایندگان فعلی خبرگان نیازی به احراز صلاحیت ندارند، درست است؟

جنتی: این به یک معنا درست است و در معنای دیگر درست نیست؛ علی القاعده افرادی که تائید صلاحیت شدند باید تائید شوند ولیکن برخی

مواقع ممکن است در دوران نمایندگی فردی شرایط لازم را از دست می دهد؛ مجلس هم همین طور است. این مسئله نه تنها در خصوص انتخابات خبرگان بلکه در خصوص احراز صلاحیت نمایندگان مجلس نیز وجود دارد.

اتفاق افتاده است که افرادی که تعداد آن ها اندک نبوده است، را در مجلس احراز صلاحیت کردیم، تائید صلاحیت شدند و رای نیز آوردند، در دوران نمایندگی خود در مجلس فعالیت های خلاف انجام دادند که از آن ها سلب صلاحیت شده است؛ در دوره های بعد صلاحیت آن ها رد می شود؛ این اتفاق در مجلس بسیار می افتد.

بنابراین این امر برای تعدادی واقع می شود؟

جنتی: بله؛ این امر اتفاق می افتد؛ برای خبرگان نیز این مسئله مطرح است؛ در یک دوره فردی شرایط لازم را داشته است و تائید صلاحیت شده است و در دوره بعدی به دلیل برخی اقدامات صلاحیت را از دست داده و بنابراین سلب صلاحیت می شود.

در اجلاسیه اخیر در شهریور ماه دو فوریتی تقدیم هیات رئیسه شد با توجه به کسالت آیت الله مهدوی، تا این هیئت رئیسه که تعیین شده ابقا شود دو فوریت آن رای نیاورد، امکان دارد برای اجلاسیه اسفند اصل این رای گیری کنند؛ گمان می کنید چنین مسئله ایی رای بیاورد؟

جنتی: من نمی توانم به صورت قطعی پیش بینی کنم؛ به نظر من رای می آورد ولیکن نمی توان قطعی بیان کنم.

اگر رای نیاورد دوباره باید انتخاب دیگر برگزار شود.

جنتی: درست است.

ممکن است شما نامزد ریاست شوید؟

جنتی: نخیر؛ من به درد این کار نمی خورم و به من هم گفتند گفتم من آمادگی برای این کارها ندارم. انشالله خداوند آقای مهدوی را شفا عنایت کند.

به نظر شما نیاز به تغییرات ساختاری در شورای نگهبان نیاز است؟

جنتی: من این مسئله را احساس نمی کنم؛ خلایی نمی بینم؛ هر دستگاهی باید به فکر اصلاحات باشد و نمی توان عنوان کرد بهترین وضعیت را

داریم ولیکن تغییرات ساختار احساس نمی شود.

نظر شما در خصوص حق انتخاب مردم و جایگاه مردم در انتخابات و نظام جمهوری اسلامی چیست؟

جنتی: این نظری است که امام و امت امام همه یک نظر را دارند و من هم یکی. از نظر قانون اساسی تمام مردم حق رای دارند و هر فردی حق یک رای در هر دروه انتخابات را دارد؛ این حق را نمی توان از کسی سلب کرد؛ قانون اساسی نیز بر این مبنا پایه گذاری شده است؛ مردم سالاری دینی به این معنا است که حاکمیت متعلق به مردم است و کسانی که مردم انتخاب می کنند به نمایندگی از سوی مردم به امور مملکت رسیدگی می کنند. از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا خبرگان و مجلس شورا.

خیلی تلاش کردید آقا محمد حسین به مسیر باز گردند؟

جنتی: بله؛ یک دفعه برخلاف انتظار من یک بار در زندان حسین را آوردند؛ من خیلی دلم می خواست او را ببینم. مدتی با او بحث کردیم که اثر نداشت؛ بعد از انقلاب و آزادسازی وی در خانه مدتی با او صحبت کردم و این صحبت ها دلسوزانه و پدرانانه بود ولیکن تحت تاثیر رضوی قرار گرفته بود. آن ها زیاد رویش کار کردند و صحبت های من در نهایت اثرگذار نبود.

امتحان سختی است و از این امتحان سربلند بیرون آمدید. چگونه از این امتحان سربلند بیرون آمدید چرا که اندک نیستند افرادی که در نظام گرفتار فرزندان خود می شوند.

جنتی: ما به اسلام و انقلاب و نظام بیش از فرزند علاقه مند هستیم؛ فرزندی که راه خود را از ما جدا می کند طبیعی است که...

با توجه به فتنه بزرگ ۸۸ آیا شده مردم از شما بپرسند دو نفری که از شورای نگهبان تائید شدند و عامل فتنه بودند به چه دلیل تائید شدند؟

جنتی: من اینجا بحث زیادی دارم. این افراد به اتفاق آرا تائید نشدند و اختلاف رای وجود داشت؛ تائید این فرد بر اساس اکثریت رأی بود؛ اتفاق نبود بلکه اکثریت بود. همان موقع نیز عده ای نظر مخالف داشتند منتهی اکثریت رأی دادند. دوم این که مبنای رأی اکثریت این بود که از این افراد سابقه ایی آن چنانی نداشتیم.

مسائلی که بعد پیش آمد قبلا سابقه این چنینی نبود که دلیل بر رد صلاحیت باشد. زمان آقای موسوی و کروی سوابقی که از آن ها سلب صلاحیت کند و نشان بدهد که شرایط موجود در قانون اساسی را ندارند، ما نداشتیم. طبیعی است این افراد مانند بقیه تائید شوند؛ برخی مسائلی در جنبه کار وجود داشت که نمی خواهم متعرض شوم.

به هر حال این اتفاقات بعد آمد و بعد هم ما ناراحت شدیم که چرا این ها را تأیید کردیم. اما نمی توانستیم تأیید هم نکنیم. اگر تأیید نمی کردیم خود این ها و دیگران اعتراض می کردند که به چه دلیلی این ها را تأیید نکردید در حالی که شرایط موجود در قانون اساسی را دارا بودند؛ به اعتراض آن ها نمی توانستیم جواب روشنی بدهیم.

برخی عنوان می کنند به چه دلیل این دو نفر در حصر هستند و نظام دوست دارد فقط یک نظام در رابطه با فتنه شنیده شود و این ها بیرون بیایند. شما چه پاسخی در این خصوص دارید؟

جنتی: این گونه افراد نه درک سیاسی دارند و نه درک انقلابی دارند و نه در امام و رهبر تسلیم هستند. این امر را به صراحت عنوان می کنم که این مشکلات را دارند. این گونه افراد این مسئله را که عوام الناس کوچه بازار ما دریافتند درک نکردند و آن این که حرکت آن ها با حمایت و پشتیبانی جدی آمریکا و اسرائیل بوده است.

اسرائیلی ها یکی از حرف هایی که گفتند این بود که حرکت سبز این افراد از سرمایه های بزرگ ما است. این عین مطالبی است که اسرائیلی ها گفتند و اسناد این مسائل موجود است؛ بعد هم حرکتی که شد به عنوان تقلب مطرح کردند که دروغ محض بود باید برای همین ادعا مجازات می شدند یعنی اگر باقی مسائل را در نظر نگیریم اما این دو نفر باید برای ادعای تقلب در انتخابات که دروغ محض بود مجازات می شدند.

دادگاه باید این ها را احضار کند و بگوید دلیل تقلبی که می گویند چیست دلیل ادعای تقلب در انتخابات را از این دو نفر جویا می شد؛ شما دارید نظام، شورای نگهبان، وزارت کشور، هیات اجرایی را متهم می کنید ادعای تقلبتان چه بوده است.

بعدش هم دو چیز مشخص شد؛ یکی این که از بیرون کشور حمایت می شدند و دلایل فراوانی مبنی بر این امر وجود دارد؛ دیگر این که در خیابان ها خود را نشان دادند؛ در خیابان ها مسجد به آتش کشیدند،

عکس امام (ره) را پاره کردند، این‌ها گفتند نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران سر دادند، در خصوص ولایت فقیه اعلام نظر منفی کردند، و ضد ولایت فقیه فقاہتشان را اعلام کردند. آدم کشتند آتش سوزی کردند و یک نقطه سفید ندارند و همه کارنامه‌شان سیاه است. مسئله براندازی نظام بود به اسم تقلب. بعضی این‌ها که نام نمی‌خواهم ببرم و افرادی بودند که زندان بودند و بعد آزاد شدند و الان هم آزاد هستند و در تشکیلات ریاست جمهوری قبلی هم بودند خودشان گفتند این تقلب رمز حرکت ضد انقلابی ما بود.

بر سر این عوامل منت گذاشته شده است؛ اگر بنا به محاکمه این‌ها بود هیچ قاضی عادل و آگاهی جزء حکم اعدام برای آن‌ها صادر نمی‌کرد؛ در هیچ کشوری با افرادی که در مقابل نظام می‌ایستند (نه در مقابل رئیس‌جمهور یا وزیر یا قاضی بلکه در مقابل نظام ایستادند) این‌گونه رفتار نمی‌شود؛ بنابراین منت سرشان گذاشتند و به هر دلیل که هر اسمی رویش بگذارند از جمله به دلیل لطف و مهربانی اسلامی تخفیف قائل شدند. و الا هر جای دیگر این‌ها را درجا اعدام می‌کردند.

زمانی که ما در دادگاه انقلاب فعالیت می‌کردیم، بعضی را شک می‌کردیم که باید اعدام کنیم یا نه امام (ره) می‌فرمودند در خصوص کسی که جرم او مسلم است نباید معطلش کرد؛ زمانی که موسولینی را به دادگاه آوردند قاضی پرسید اسمت چیست جواب که داد دستور اعدام او را صادر کردند چرا که جرم وی مسلم بود؛ تنها نیاز به شناسایی بود که فرد را اشتباهی نیاورده باشند. نظر امام این‌گونه بود. این‌گونه باید همان موقع اعدام می‌شدند اما نشدند.

من تعجب می‌کنم از این‌ها که این حرف‌ها را می‌زنند. چرا این‌ها سوال نمی‌کنند دو نفر دیگر از سران فتنه باید آزاد باشند؟ یکی از آن‌ها که همین‌طور دارد راه می‌رود و زیرآبی می‌رود و راه دو نفر دیگر را ادامه می‌دهد. باید اعتراض شود که چرا این افراد دستگیر نشدند نه این‌که چرا آن دو نفر در حصر هستند. این اعتراض به جا است و حق هم هست و جوابی ندارد.

یکی دیگر از سران فتنه هم به من گفتند بیست هزار صفحه پرونده دارد و جرم او هم واضح واضح است و مدتی فراری بود، و بعد هم برگشت. چرا این‌ها تا حالا موندند است. اعتراض به این مسائل به جا و درست است؛ خدا می‌داند رسیدگی به این پرونده تا چه زمانی قرار است ادامه یابد. تا زمان ظهور ادامه پیدا می‌کند.

سال ۹۲ روزهای سختی داشتید؛ در انتخابات سال ۹۲ تا چه میزان از تجربیات سال ۸۸ استفاده کردید؟

جنتی: ما از این تجربه سال ۸۸ که بسیار سخت و بد بود استفاده کردیم. آن تجربه برای ما تابلو بود که باید حواسمان را جمع کنیم و خیلی دقت کردیم این اتفاقات تکرار نشود. من نمی توانم خیلی توضیح بدهم.

این درست است که برخی می گویند بعضی از اعضای شورا دآوری را در سال ۸۸ رعایت نکردند؟

جنتی: این امر مغالطه ای است که اکنون فرصت شرح آن نیست؛ گاهی مسئله گرایش مطرح است به این معنا که هر فردی می تواند گرایش خاصی داشته باشد حتی قاضی عادل که می توان پشتش نماز خواند نیز ممکن است با مراجعه دو نفر نسبت به یکی علاقه داشته باشد و نسبت به دیگری علاقه نداشته باشد منتها این محبت و علاقه نباید در حکم او بی عدالتی ایجاد کند.

شورای نگهبان نیز ممکن است برخی از اعضا (آن که مدعی هستند می گویند برخی از اعضا) به یک فرد علاقه داشته باشند ولیکن در رای آن ها اثرگذار نیست؛ ما از اعضا دآوری بی طرفانه می خواهیم به این معنا که به دلیل علاقه به فرد خاص او را تائید نمی کنم و یا به دلیل این که فلانی را دوست ندارم ردش نمی کنم. این دو تا بایهم خلط می شوند من اسم این دو را می گذارم مغالطه.